



I AM SUICIDE

10

DC UNIVERSE

REBIRTH

# BATMAN



**ASSAULT**  
on **SANTA**  
**PRISCA!**

Janín  
2016

دورنام

dorname.ir

کاری از: کیوان داوند

KING  
JANÍN  
CHUNG

RATED T TEEN DCCOMICS.COM JAN 2017





# DC UNIVERSE REBIRTH

10

# BATMAN





هواپیمای  
ناشناس  
۱۰۴۸

بین-

من  
برای  
سایکوپایرت  
اومدم.

دی سی کامیکس  
تقدیم می کند

# من خودکشی هستم

قسمت  
دوم

شما  
بدون مجوز قانونی  
وارد مرزهای هوایی  
ایالت سانتا پریسکا  
شدید.

می خوام  
کسی رو نجات  
بده که باید نجات  
داده بشه.

**TOM KING**  
writer

**MIKEL JANÍN**  
pencils, inks & cover

**JUNE CHUNG**  
colors

**CLAYTON COWLES**  
letters

**TIM SALE &  
BRENNAN WAGNER**  
variant cover

اگر بلافاصله  
فرود نیایید و  
تسلیم نیروهای  
اس پی ای اف  
نشید...

تسلیمش  
کنید و  
برگردید.

اگر از  
تسلیم اون  
سرپیچی کنید...

**REBECCA TAYLOR**  
associate editor

**MARK DOYLE**  
editor

BATMAN created by  
**BOB KANE**  
with **BILL FINGER**

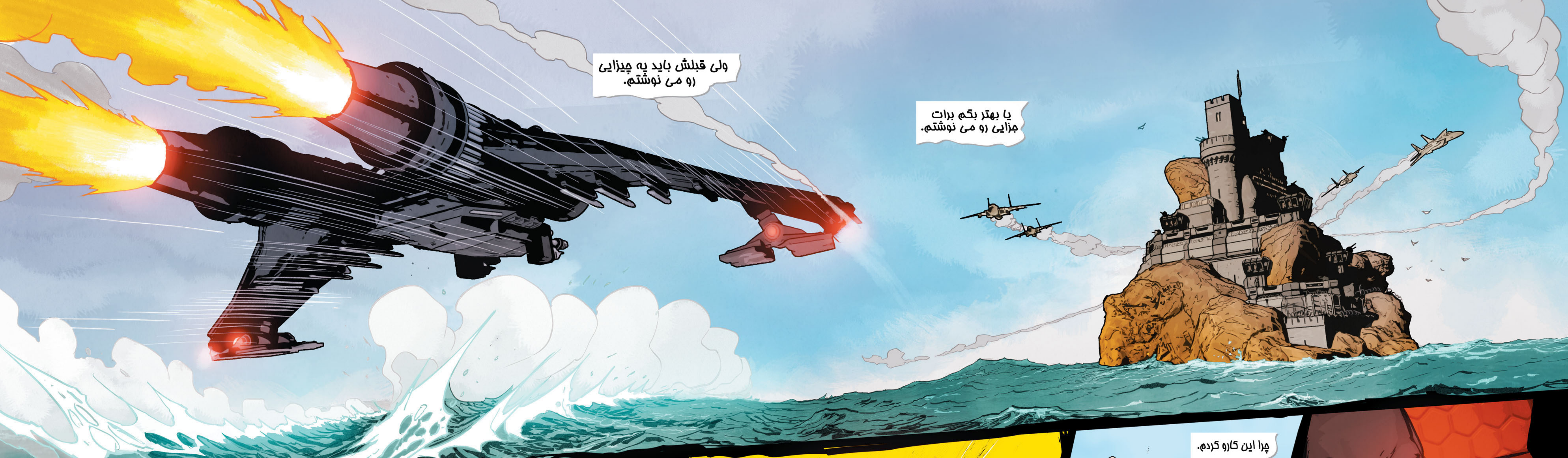
...  
از مرزهای  
آسمانی حذف  
می شید.

...و خودم  
کمرتونو  
می شکنم.

می دونم داری  
میایی دنبال من.

می دونم منو  
می گیری.





ولی قبلش باید په چیزایی  
رو می نوشتیم.

یا بهتر بگم برات  
چیزایی رو می نوشتیم.



یعنی تو، از بین  
این همه آدم، بتمن  
بزرگ و قدرتمند.



بروس وین ثروتمند  
و دوست داشتنی.



تو باید  
بدونی.



چرا این کارو کردم.




چرا کشتمشون.



چرا این همه از اونها  
رو کشتم.



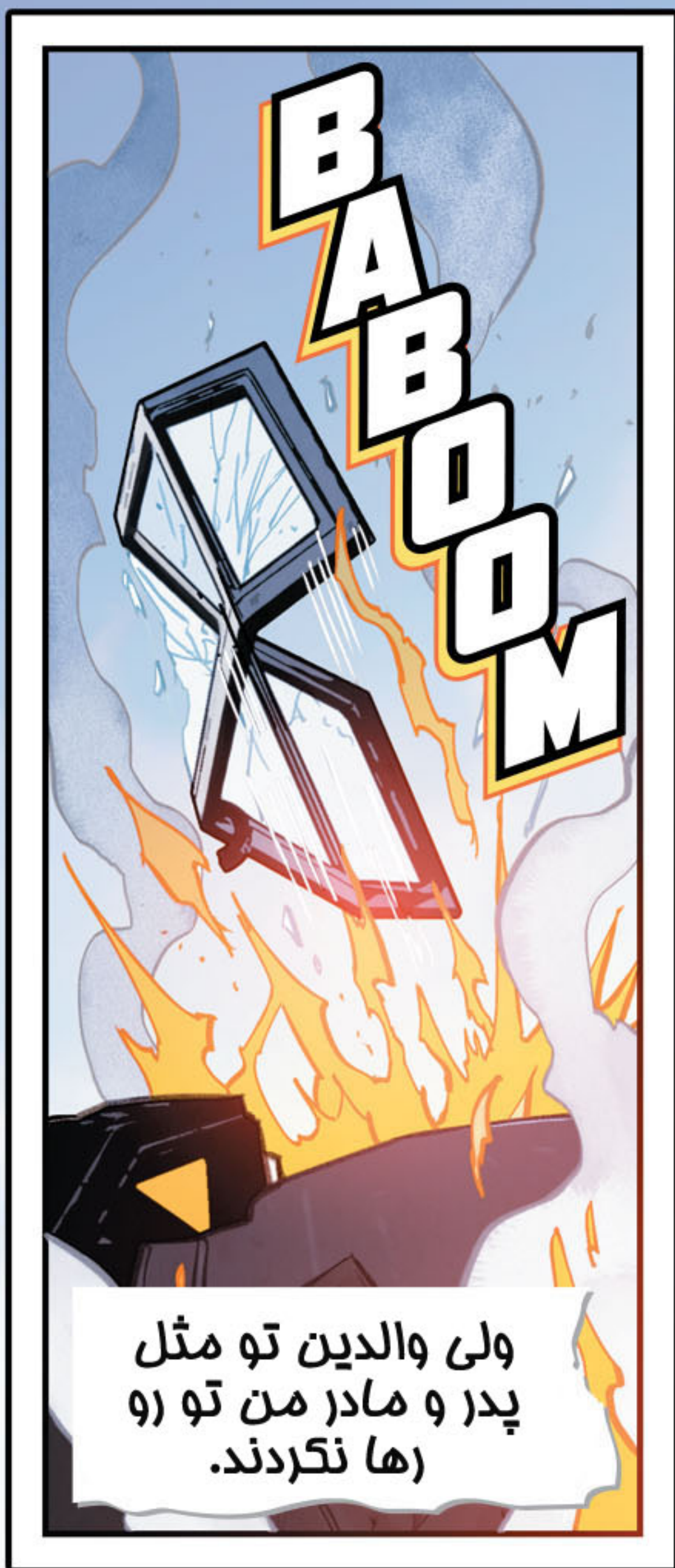


وقتی کوچک بودم  
تنها بودم.

تو این مس مشترک  
داریم.

که خوبه.





ولی والدین تو مثل پدر و مادر من تو رو رها نکردند.



بین.  
من دنبال سایکو پایرت اومدم.

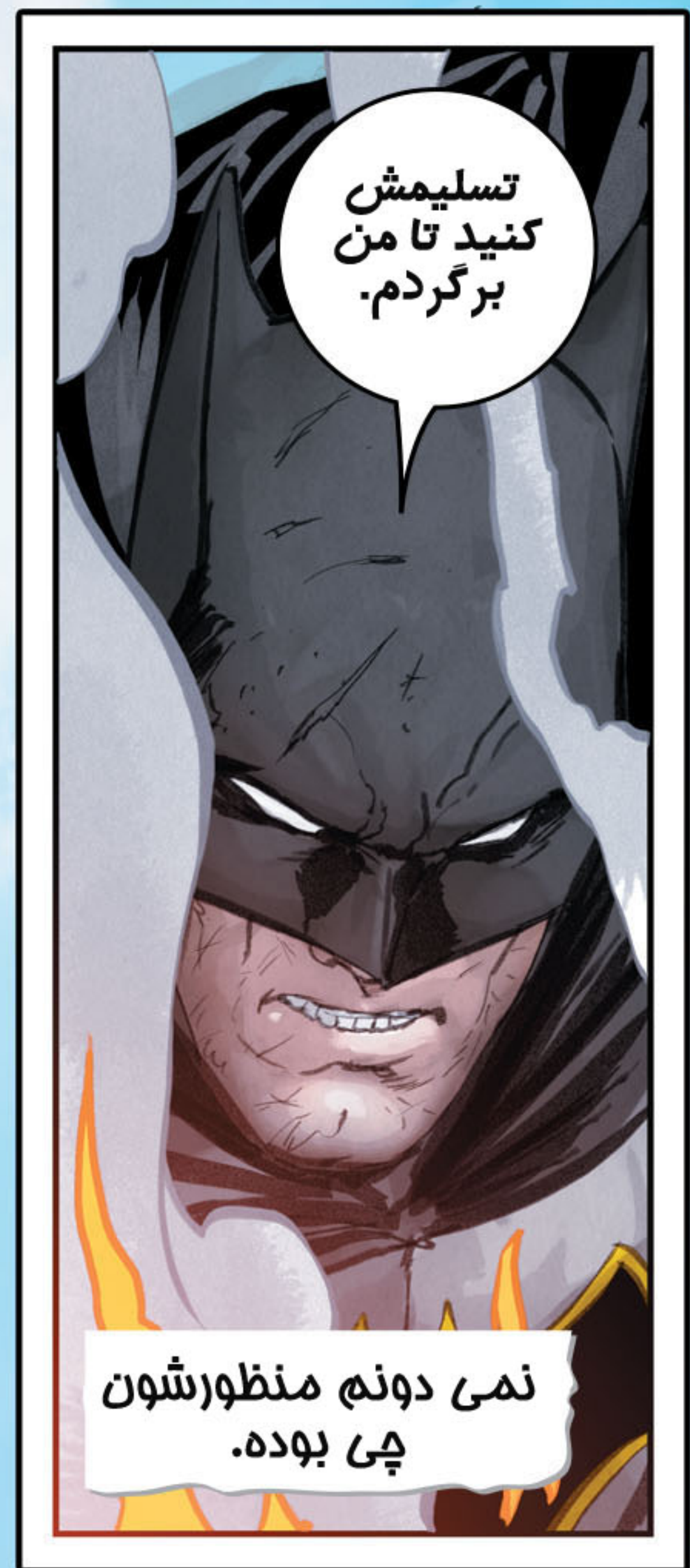
مداقل نمی فواستند رهاش کنند.



بنام اربابمون بین!  
زانو بزنی، و گرنه آتش می کنیم.

می خوام کسی رو نجات بدم که با نجات داده بشه.

ولی من پدر و مادرم رو خوب نشناختم. خیلی کوچیک بودم.



تسلیمش کنید تا من برگردم.

نمی دونم منظور شون چی بوده.



و اگر تسلیمش نکنید...

...کمتر تونو می شکنم.

تنها چیزی که می دونم این بود که اول بودند، بعد نبودند.

آتش!

و منو ترک کردند.



بعد از ترک والدینم منو به  
یتیم خانه سپردند.

از اونجا منو به جاهای  
زیادی فرستادند.

و در کنار افرادی ظالم با  
پشمانی ظالم قرار گرفتم.

پدرو مادرم رو یادم نمیاد.  
یا همه چیز در موردشون  
به یادم نمیاد.

ولی فکر می کنم  
پشمان مهربانی  
داشتند.

بعضی وقت ها می تونم  
بینمشون. فقط پشمانی  
در تاریکی.

مثل پشمان گربه ای  
در انتهای کوچه ای  
دراز.



من از تسلط اونها  
فرار کردم. من فدای  
پنهان کاری بودم.

تمرین زیاد  
مؤثر بود.

به هر حال، من فرار کردم.  
یتیم خانه رو بیشتر دوست داشتم.

خانه دختران و پسران بی سرپرست  
توماس و مارتا وین گاتهام.

اونها پول این ساختمان  
رو بعد از تولد پسرشون  
اهداء کرده بودند.

اونها تصاویری از سه تای شما  
در قسمت ورودی تالار نصب  
کرده بودند.

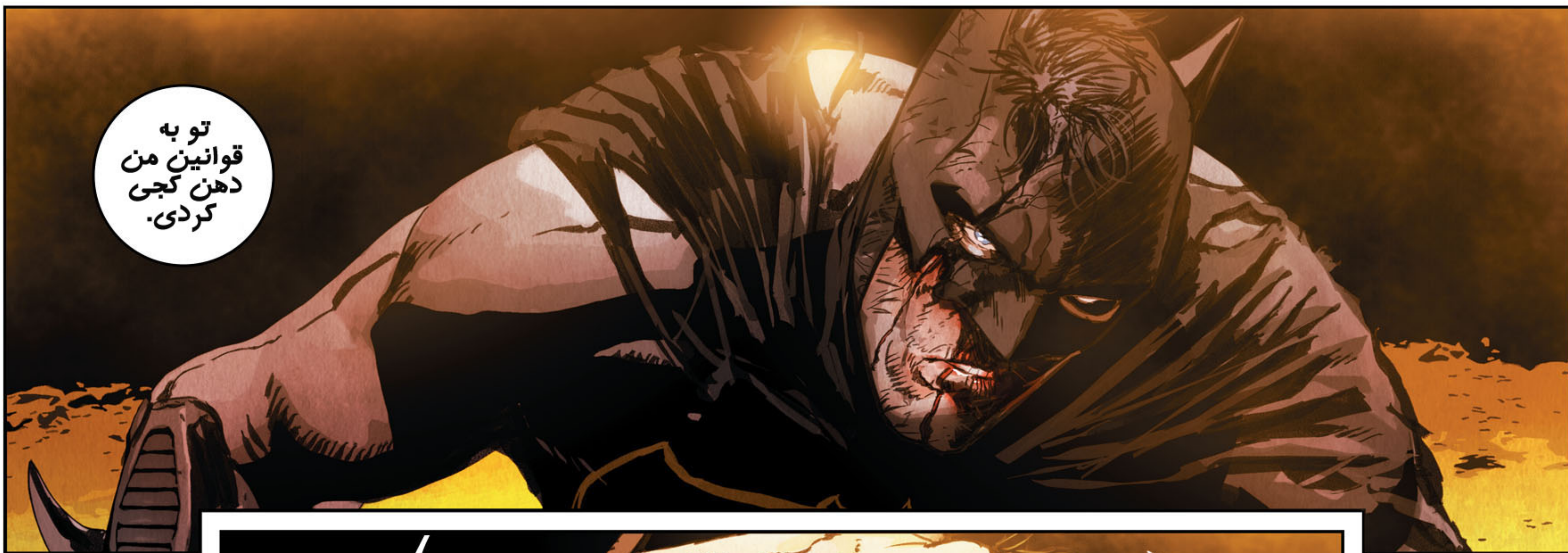
خانواده شاد وین.  
خانواده بی نقص وین.

با چشمانی مهربان  
مثل پدر و مادر.





تو به کشور  
من تجاوز  
کردی.



تو به  
قوانین من  
دهن کجی  
کردی.



و چون  
تو تجاوز کردی  
و چون منو به  
سخره گرفتی...

...آدمای  
خوب لیگ عدالت  
نمی تونند برای  
کمک بیان.



تو تنها  
هستی.

kkknehh





تنها با من.



قبل از من. با ونوم.

کاری می کردم در برابر من زانو بزنی.

بین من سایکوپایرت هستم.



ولی الان که از شر اون... دارو... خلاص... شدم.

...متأسفانه قدرت کافی ندارم تا به اون شکل مناسب به حسابت برسم.

بعش نیاز دارم کسی رو نجات بده که باید نجات داده بشه.



تسلیمش کن تا من برم.

اگه تسلیمش نکنی...

برات متأسفم.



...کمر تو می شکنم.

ولی... فکر کنم این برات کافی باشه.



# AAAAA!



# XXXXXXXXXXXX

بهترین روزهای عمر من نو اون یتیم فونه  
سپری شد، در مالیکه به اون تصویر فیره  
شده بودم.

به شما سه نفر فکر می کردم  
که در حال بازی و فنده هستید.

همیشه تصور می کردم که همراه شما هستم،  
که من هم بازی می کنم و می فندم.





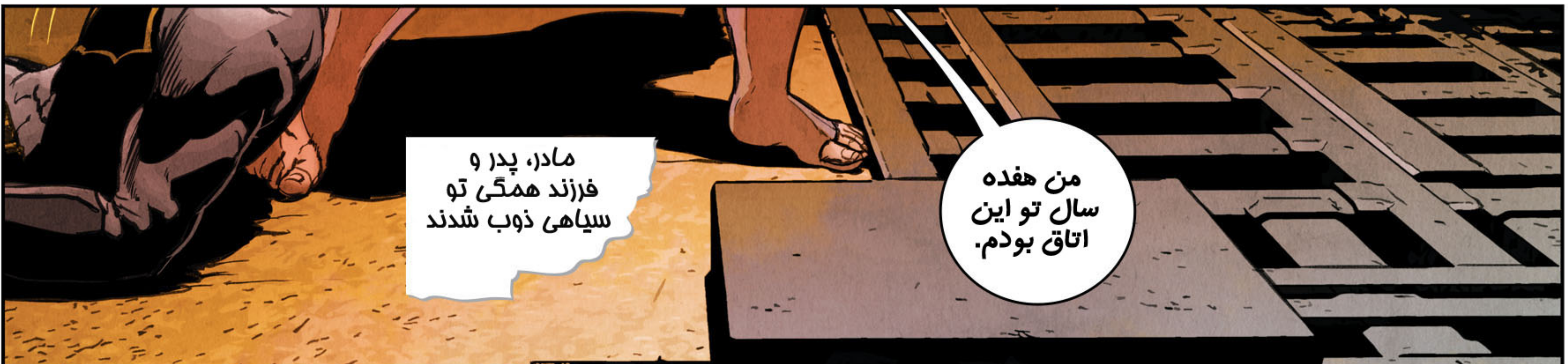
بعد از اون بمباران  
به اون تصویر فکر  
می کردم.



به بمبارانی که  
بچه های معصوم رو  
سوزوند.



گوشه های اون تصویر تو  
آتیش لول شد.



مادر، پدر و  
فرزند همگی تو  
سیاهی ذوب شدند

من هفده  
سال تو این  
اتاق بودم.



در مورد خودم فکر می کردم، اگه  
من هنوز اونجا بودم، اگه من یکی  
از اون بچه ها بودم.

با مد  
بالا  
رفتم.

با جزر  
پایین  
اومدم.



و می خواستم از اون شعله ها  
بیام بیرون.

که دستم بسوی  
شما بود و می سوختم

با مرگ  
جنگیدم.

مرگ رو  
شکست دادم.



بعید  
می دونم از این  
شب زنده بیرون  
بیایی.

و افتادم وقتی چهره تو  
رو لمس کردم.





همونطور که می دونی تو اون بمباران ۱۶۳ بچه بی سرپرست مرد.

و هفت معلم.

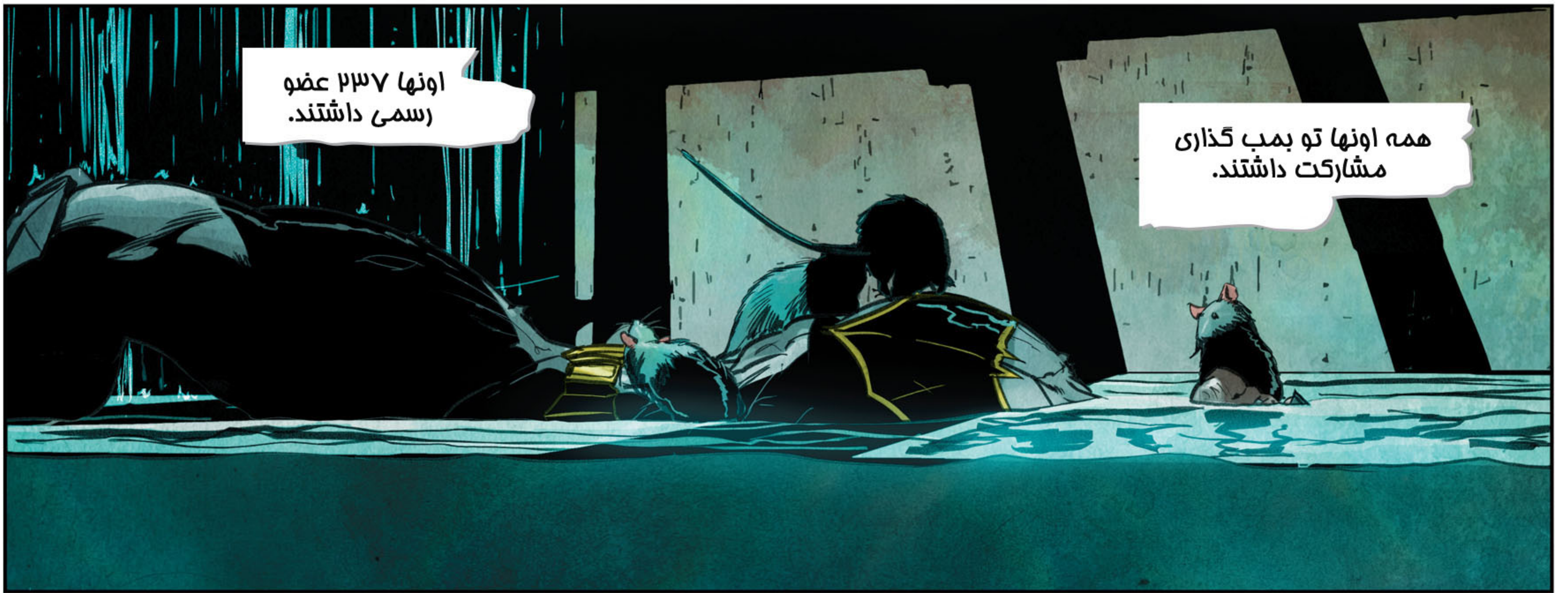
یه سرایدار، و یه مربی که هر وقت وارد اتاق می شدم دستشو بلند می کرد و منو تمسین می کرد.



یکی از گروه های تروریستی نگون بخت از کهنداک مسئولیت بمباران رو به عهده گرفت.

اونها فودشونو سگ های جنگ می نامیدند. واق واق.

هیچ درفواستی نداشتند. نه درفواست غرامتی. نه منطقی. فقط ایجاد و مشت.



اونها ۲۳۷ عضو رسمی داشتند.

همه اونها تو بمب گذاری مشارکت داشتند.



کایهههه!

اونها ۲۳۷ عضو داشتند.

الان هیچی ازشون نمونه.





۱۱۱۱۱۱

با اونایی که تو گاتهام  
بودند شروع کردم.



<سرفه>  
<سرفه>

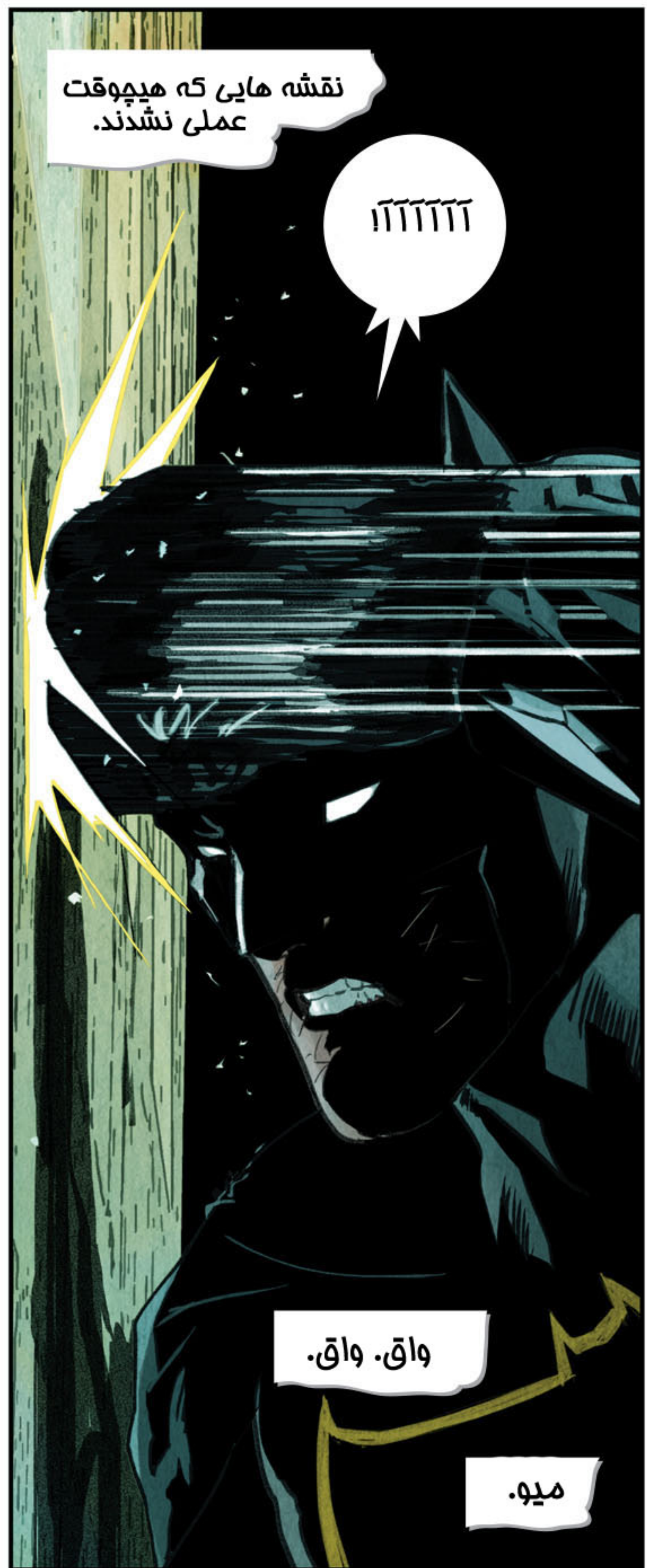
بعد رفتم سراغ بقیه  
کشور.

بعد سراغ کشور اونها.



هر کی رو پیدا  
کردم نقشه ای داشت.  
نقشه های بزرگ و  
قدرتمند.

<سرفه>  
<سرفه>



نقشه هایی که هیچوقت  
عملی نشدند.

۱۱۱۱۱۱

واق. واق.

میوه.





آآآآ



ننگگ

در اکثر موارد فقط گلوشونو می بریدم.



آآآآ



هی  
هی  
هی

هیچوقت نمی دونستند من اونجا هستم.



آآآآ



ننگگ

بی صدا به پشتشون می فزیدم و پنجه ام رو می کشیدم.



آآآآآآآآ

سریع  
آسون  
بی درد



بی درد...

هی  
هی  
هی



ننگگ



اکثر اوقات

آآآآآآآآ

www.korname.ir



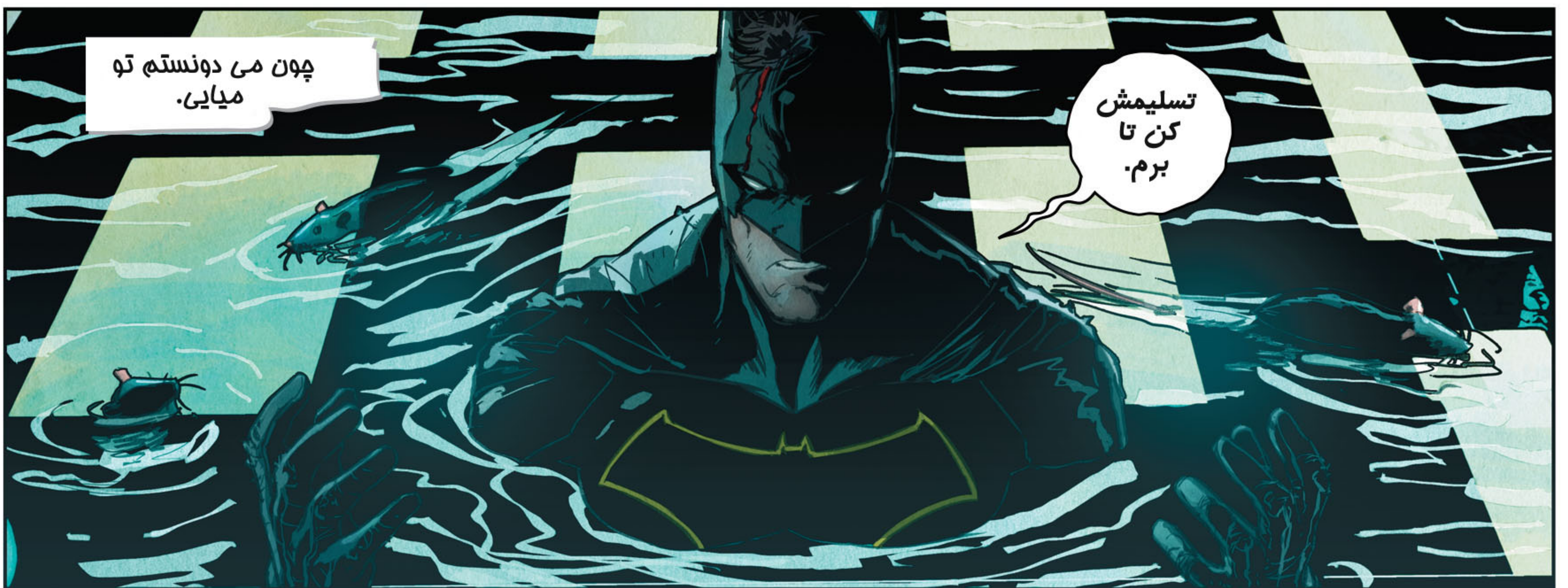


سریع کار می کردم،  
دقیق.

بین.

من دنبال  
سایکو پایرت  
اومدم.

اون باید  
کسی رو نجات  
بده که باید نجات  
داده بشه.



چون می دونستم تو  
میایی.

تسلیمش  
کن تا  
برم.



که تو سریع  
خواهی بود.

اگه  
تسلیمش  
نکنی...



و دقیق.

...کمرت  
رو می شکنم.



KKKRAAK



AAAANGG!

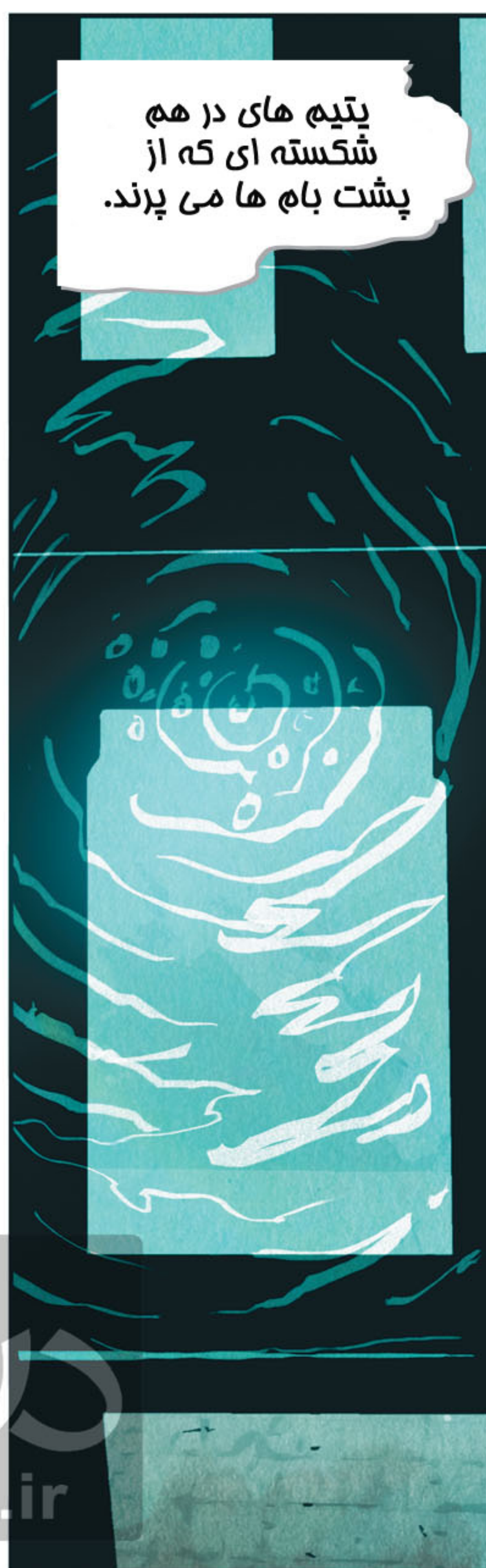




ما خیلی شبیه  
هم هستیم. من  
و تو.



گرچه و ففاش.



یتیم های در هم  
شکسته ای که از  
پشت بام ها می پرند.



به همین دلیل به روشی  
با هم کار می کنیم.

یعنی با هم  
کار می کنیم.



به همین دلیل  
که وقتی همدیگر  
(و می بوسیم...)

وقتی همدیگر (و می بوسیم  
درد و رنج از بین می ره.



تو هم اینو مس  
می کنی درسته؟

که چطور برای یک ثانیه  
و تنها یک ثانیه...!

هاهههه!

...درد از بین می ره.





**CLANK**

و از جهاتی، شاید از جهات قوب و مهم ما اصلا شبیه هم نیستیم.

به همین دلیل که بوسه هرگز ادامه پیدا نمی‌کنه.



**CLANK  
CLANK**

وقتی لمظه تو فرار سید، وقتی بچی تو رو نابود کردند...

...تو از همه اراده قودت و همه ناکامی‌ها برای سافت دنیای بهتر استفاده کردی.



**KRAK**

وقتی زمان من فرار سید، وقتی اونها بچی منو سوزوندند.



من نمی‌خواستم دنیای بهتری بسازم.



فقط می‌خواستم همه رو بکشم.





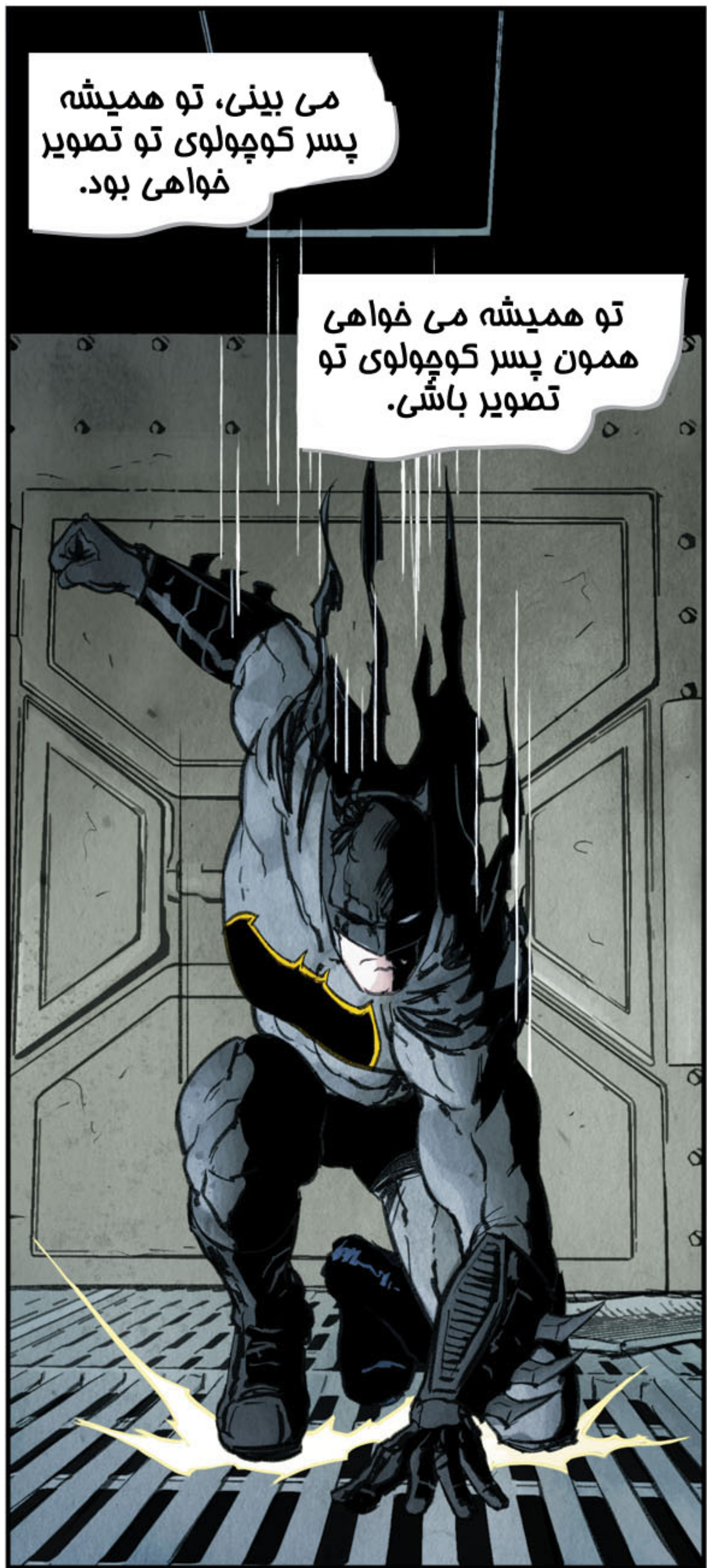
فکر می کنم دلیل این مشکل اینه که من اون بهشت اولیه رو نداشتم.

پدر و مادر.  
فونه.  
پیشخدمت.



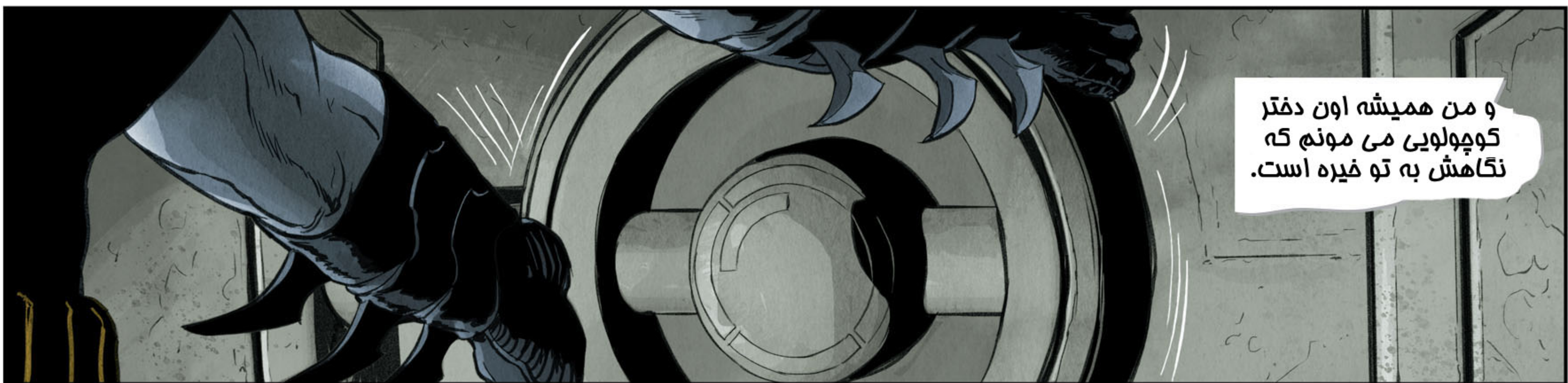
من چشم داشتم. پشمان گربه ای. در تاریکی.

و چیکار می تونی بکنی با این پشمان در تاریکی؟



می بینی، تو همیشه پسر کوچولوی تو تصویر خواهی بود.

تو همیشه می خواهی همون پسر کوچولوی تو تصویر باشی.



و من همیشه اون دفتر کوچولوی می مونم که نگاهش به تو خیره است.



که به اون دروغ کوچولوی فوش تیپ نگاه می کنه.

اوه، سلام عزیزم.

تو بهترین جاها همدیکه رو می بینیم.

ببر، پنجه، جواهر؟

اونها خوبند. همه چیز طبق نقشه.





نقشه تو  
عالی بود. فکر  
کنم تنها سؤال  
اینه که...

...الان  
باید چیکار  
کنیم؟

ولی شاید اشتباه  
می کنم.

شاید هنوز  
برای ما امید  
کمی وجود داشته  
باشه.



الان...

یه روز، شاید تو هم دنیای  
بهتر رو فراموش کنی.

شاید تو هم، مس عشقی که  
باقی مانده فراموش کنی و تنها  
مست ترک شدگی باشه.



و اونوقت، شاید  
اونوقت...

...بوسه ادامه پیدا  
کنه.

کمر اون  
لعنتی رو  
می شکنیم.

قسمت بعد: شکستن بین!



DC

I AM SUICIDE

DC UNIVERSE

REBIRTH

10

# BATMAN

ASSAULT  
ON SANTA  
PRISCA!

دورنام

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی

KING  
JANIN  
CHUNG

RATED T TEEN DCCOMICS.COM JAN 2017